

پرسش ۴۰۵: انذار دهنده در آیات قرآنی و تفسیر آیه « إِنْ تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا »

السؤال / ۴۰۵: الصلاة والسلام عليك يا بقية الله وعلى آباءك وأهل بيتك
الطيبين الطاهرين.

ما هو تفسير الآيات:

سؤال / ۴۰۵: درود و سلام خداوند بر تو ای بقیه الله و بر پدرانت و بر اهل بیت پاکت
تفسیر این آیات چیست؟

(وَهَذَا كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ مُبَارَكٌ مُّصَدِّقٌ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَلِتُنذِرَ أُمَّ الْقُرَى وَمَنْ حَوْلَهَا
وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَهُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ) ([11]).

(و این کتاب مبارکی است که آن را نازل نمودیم، آنچه بین دستانتان (تورات و انجیل) است را تصدیق می نماید، تا به واسطه آن ام القری (مادر شهرها) و مردم حوالی آن را انذار کنی، و کسانی که به آخرت ایمان دارند به این قرآن ایمان دارند و آنها بر نمازشان محافظت می کنند) ([12]).

(إِنَّمَا تُنذِرُ مَنِ اتَّبَعَ الذُّكْرَ وَخَشِيَ الرَّحْمَنَ الْغَيْبِ فَبَشِّرْهُ بِمَغْفِرَةٍ وَأَجْرٍ كَرِيمٍ)
([13]).

(همانا تو کسانی را می توانی انذار کنی که از ذکر تبعیت کنند و از خداوند رحمان به واسطه ی غیب بترسند، پس این فرد را به بخشش و اجری کریمانه بشارت ده) ([14]).

من هو المنذر في هذه الآيات، فنحن نستشهد بها في الاحتجاج على
المخالفين؟؟

انذار دهنده در این آیات کیست، و ما می‌توانیم از این آیه را در احتجاج بر علیه مخالفین به عنوان شاهد استفاده کنیم؟؟

ما هو تفسیر الآیة: (یا ایُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا إِن تَتَّقُوا اللَّهَ یَجْعَل لَّکُمْ فُرْقَاناً وَیُکَفِّرْ عَنْکُمْ سَیِّئَاتِکُمْ وَیَغْفِرْ لَکُمْ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِیمِ) [15].

تفسیر این آیه چیست؟ (ای کسانی که ایمان آوردید اگر تقوای الهی را پیشه کنید برای شما فرقان قرار می‌دهیم و گناهان‌تان را می‌پوشانیم و برای شما می‌آمرزیم و خداوند صاحب فضیلتی بزرگ است) [16].

وما هو تفسیر الآیة: (قَالَ بَلْ فَعَلَهُ کَبِیرُهُمْ هَذَا فَاسْأَلُوهُمْ إِن کَانُوا یَنطِقُونَ) [17].

تفسیر این آیه چیست: (بلکه بت بزرگ‌شان این کار را کرد، پس از او سؤال کنید اگر سخن می‌گوید) [18].

لا نشک فی أن قول إبراهیم(ع) هو الصدق، ولكن ما هو تأویل فعلها کبیرهم؟؟
شکی نداریم در اینکه سخن حضرت ابراهیم(ع) صادقانه است، ولی تاویل اینکه بزرگ‌شان انجام داده، چیست؟؟

سامحني على التقصير في العمل، اذکرنی فی دعائک یا مولای، جمعنا الله تحت رایتک آمین یا رب العالمین.

المرسل: أبو هاشم

به خاطر کوتاهییم در عمل مرا ببخش، و مرا در دعایت یاد کن ای مولای من، خداوند ما را زیر پرچمت جمع نماید، آمین یا رب العالمین..

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً كثيراً.

ج س ۱: المنذر هو محمد(ص)، وأيضاً حجة الله وخليفته في أرضه في كل زمان، فالقرآن حي لا يموت ولكل زمان منذر.

جواب: بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الأئمة و المهديين و سلم تسليماً كثيراً.

ج س ۱: مُنذر (هشدار دهنده) همان حضرت محمد(ص) است، و هم‌چنین حجت خدا و خلیفه او در زمین در هر زمان منذر می‌باشد، و قرآن زنده است و نمی‌میرد و برای هر زمان منذری است...

ج س ۲: قوله تعالى: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَل لَّكُمْ فُرْقَانًا وَيُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ). تقوى الله سبحانه وتعالى تكون نتيجة لاجتناب العبد كل ما لا يرضاه سبحانه وتعالى والتزام كل ما يحبه سبحانه وتعالى، (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ) ([19]).

ج س ۲: فرمودند خداوند متعال: (ای کسانی که ایمان آوردید اگر تقوای الهی را پیشه کنید برای شما فرقان قرار می‌دهیم و گناهان‌تان را می‌پوشانیم و برای شما می‌آمرزیم و خداوند صاحب فضیلتی بزرگ است). تقوای خداوند متعال، نتیجه اجتناب بنده از هر آن چیزی است که خداوند به آن رضایت نداشته و التزام به هر آن چیزی که

خداوند آن را دوست دارد، (ای کسانی که ایمان آوردید روزه بر شما نوشته شده (واجب شده) است همان طور که بر گذشتگان شما واجب شده بود شاید تقوا پیشه کنید) ([20]).

وهذه التقوى تجعل الإنسان مراقباً لله سبحانه في كل تحركاته وسكناته، فهذا العبد ذاكراً لله سبحانه وتعالى، فكيف لا يذكره سبحانه وتعالى ويُبَيِّن له ويُعرفه كل ما يحتاجه للنجاة والخلص؟! وبالتالي فيكون المتقي قد امتك أداة التفريق بين الحق والباطل - وهي النور أو الفرقان -، فالمتقي يعرف الحق ويتبعه ويعرف الباطل فيجتنبه، فنتيجة التقوى هي درجة من درجات العصمة يمنّ الله بها على من يقدم لها ثمنها، وهو مراقبة الله وذكره على كل حال وفعل كل ما يرضاه واجتناب كل ما لا يرضاه.

و این تقوا موجب توجه انسان به این می شود که خداوند در همه حرکات و سکناتش مراقب وی هست، و این بنده خداوند را یاد می کند، پس چگونه خداوند او را یاد نکند و هر آن چه که او برای نجات و خلاصی نیاز دارد را برای او روشن نکرده و به او شناساند؟؟ در نتیجه فرد باتقوا صاحب وسیله ای برای شناخت حق از باطل می شود -و آن نور یا فرقان است- پس فرد باتقوا حق را شناخته و از آن تبعیت می کند و باطل را شناخته و از آن اجتناب می کند، پس در نتیجه تقوا درجه ای از درجات عصمت است که خداوند به هر کس که قیمت آن را عرضه کند می دهد، و قیمت آن، توجه انسان به خداوند و یاد او در هر حالی و انجام آن چه خدا به آن راضی است و اجتناب از آن چه خداوند به آن رضایت ندارد می باشد.

قال تعالى: (ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ) ([21]).

خداوند متعال می فرماید: (آن کتابی است که هیچ شکی در آن نیست و هدایتی است برای پرهیزکاران) ([22]).

نعم هو هدى للمتقين؛ لأن المتقين عندهم أداة التمييز بين الحق والباطل عصمهم الله بها من الالتواء على حجة الله ومخالفته، (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا)، هذا الفرقان والنور يحتاجه الإنسان ما دام في هذه الحياة؛ لأنه في امتحان مستمر، فحتى وإن كان مؤمناً بحجة الله في زمانه فربما مات الحجة وابتلاه الله بحجة لاحق، وربما يضل السبيل إن لم يكن يملك هذا النور والفرقان.

بله آن هدایتی است برای متقین (پرهیزکاران)؛ زیرا متقیان وسیله‌ای برای شناخت حق از باطل دارند که خداوند به واسطه آن وسیله، آن‌ها را از سرپیچی و مخالفت از حجتش معصوم نگه داشته است (ای کسانی که ایمان آوردید اگر تقوای الهی پیشه کنید خداوند برای شما فرقان قرار می‌دهد)، انسان تا زمانی که زندگی می‌کند به این فرقان ونور نیازمند است؛ زیرا او در امتحان همیشگی است، حتی اگر او به حجت خدا در زمانش ایمان داشته باشد زیرا شاید حجت بمیرد و خداوند او را به حجت بعدی امتحان کند، و شاید از مسیر گمراه شود اگر صاحب این نور و فرقان نباشد.

قال تعالى: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَآمِنُوا بِرَسُولِهِ يُؤْتِكُمْ كِفْلَيْنِ مِنْ رَحْمَتِهِ وَيَجْعَلْ لَكُمْ نُورًا تَمْشُونَ بِهِ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ) ([23]). فالإيمان بالرسول كما هو واضح ربما لا يكون كافياً للنجاة، خصوصاً إذا مات الرسول أو الحجة وجاء وصيه وفشل الإنسان في معرفته والالتحاق به، ولهذا بين الله سبحانه وتعالى أن هناك أداة تعصم الإنسان من الضلال، وهناك ثمن أيضاً لهذه الأداة، فثمنها كما هو واضح في الآيات هو التقوى، وهذه الأداة هي النور والفرقان الذي يميز به الإنسان بين الحق والباطل.

خداوند متعال می‌فرماید: (ای کسانی که ایمان آوردید تقوای الهی پیشه کنید و به رسولش ایمان آورید تا دوسهم از رحمت‌اش به شما ببخشد و برای شما نوری قرار دهد که بدان راه روید و شما را بیامرزد و خداوند آمرزنده مهربان است) ([24]). همان‌طور که

معلوم است ایمان به رسول به تنهایی نمی‌تواند برای نجات کفایت بکند، بخصوص زمانی که رسول یا حجت بمیرد و وصی او بیاید و انسان در شناخت و مُلحق شدن به ایشان شکست بخورد، به همین دلیل خداوند روشن نمودند که در این جا وسیله‌ای وجود دارد که انسان را از گمراهی نگه می‌دارد، و این وسیله قیمتی نیز دارد، و قیمت آن همان طور که در آیات معلوم است، تقواست، و این وسیله همان نور و فرقان است که انسان به واسطه‌ی آن حق را از باطل تشخیص می‌دهد.

وهذه الأداة هي عبارة عن وحي الله سبحانه وتعالى للمتقين، وتعريفهم بالحق والباطل، وأوضح صورة لهذا الوحي يعرفها كل الناس تقريباً هي الرؤى التي يراها الناس، فالمتقي يُعرفه الله بالرؤيا طريق الحق وطريق الباطل، فلا يبقى إلا أن يؤمن بالغيب ويعمل به، والحقيقة أن المتقي لا بد أن يؤمن بالغيب ويعمل به؛ لأن صفة الإيمان بالغيب ملازمة له.

و این وسیله عبارت است از وَحی خداوند متعال بر بندگان باتقوا، و شناساندن حق از باطل برای آن‌ها، و روشن‌ترین شکل این وحی که همه تقریباً آن را می‌شناسند همان رؤیایی است که مردم می‌بینند، و خداوند راه حق را از باطل به واسطه رؤیا به متقی می‌شناساند، و فقط ایمان به غیب و عمل به آن باقی می‌ماند، و در حقیقت فرد باتقوا باید ایمان به غیب داشته باشد و به آن عمل کند، زیرا صفت ایمان به غیب مُلازمه اوست .

(ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ * الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ) [25].

أحمد الحسن - ذو القعدة / ١٤٣١ هـ

(آن کتاب هیچ شکی در آن نیست هدایتی برای مُتقین است* کسانی که ایمان به
غیب دارند و نماز را اقامه می‌کنند و از آنچه که به آن‌ها روزی دادیم انفاق می‌کنند)
.[26].

أحمد الحسن - ذو القعدة / ۱۴۳۱ هـ



- [11] - الأنعام: 92.
- [12] - الأنعام: 92.
- [13] - يس: 11.
- [14] - يس: 11.
- [15] - الأنفال: 29.
- [16] - الأنفال: 29.
- [17] - الأنبياء: 63.
- [18] - الأنبياء: 63.
- [19] - البقرة: 183.
- [20] - بقره: 183.
- [21] - البقرة: 2.
- [22] - بقره: 2.
- [23] - الحديد: 28.
- [24] - حديد: 28.
- [25] - البقرة: 2 - 3.
- [26] - بقره: 2 - 3.